

متن پرسش

سلام و رحمت: دکتر سروش قائل به تاریخمندی و تاریخی بودن اگزیستانسیالیته و هایدگری است از طرفی بنظر می رسد شما نیز قائل به همین تاریخی بودن اندیشه هستید. پرسش بنده اینست که استنباط شما از تاریخی بودن چه تفاوتی با استنباط سروشی دارد؟ حالا شاید بفرمایید که راجع به تاریخمندی سروش اطلاعات ندارید لذا نظر نمی دهید، اما پرسش بنده اینست با سخنرانی هایی که از شما گوش داده ام و سخنرانی هایی که از ایشان گوش داده ام تقریبا به طور یکسان هر دو، تاریخی بودن اندیشه از نظر هادیگر را قبول دارید پرسش اینجاست که چه می شود و چگونه استنباط انجام می گیرد که هر دو به یک چیز قائلید ولی یکی می شود سروش و دیگری استاد طاهرزاده عزیز؟ تفاوت شما از نظر تاریخی بودن اندیشه با ایشان چیست؟ بطور کلی، چطور می شود که از دل تاریخی بودن تفکر و زمانمندی و مکانمندی اندیشه، یکی می شود سروش و یکی می شود استاد طاهرزاده؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده هم سعی بر دنبال کردن اندیشه های آقای دکتر سروش را دارم. ولی همان انتقادی که سال ها پیش آقای دکتر عبدالکریمی به آقای سروش داشتند همچنان باقی است و در یک کلمه می توان گفت دکتر سروش معنای انسان را به معنای دزاین هایدگری و اگزیستانس تاریخی نمی توانند درک کنند که البته این در جای خود عرض عریضی دارد. برای فهم انسان و باز انسان. موفق باشید